پیشنهاد

رونمایی کتاب «مریم زندی»

آیین رونمایی کتاب و افتتاح نمایشگاه عکس «چهره‌های ۵، سیمایی از موسیقی معاصر ایران» اثر مریم زندی، فردا ساعت ۱۶ تا ۲۰ در گالری ایوان به نشانی الهیه، خیابان مهدیه، خیابان جبهه، کوچه لسانی، بن‌بست حمید، شماره ۱ برگزار می‌شود. این نمایشگاه، تا ۸ دی‌ماه برقرار است.

«ابوالحسن صبا» در بابل

فیلم مستند «ساز و مهر» به کارگردانی مرجان قنبری‌مهر در ششمین سالروز درگذشت ابوالحسن صبا، فردا ساعت ۱۷ برای اولین‌بار در سالن سینما هنر و تجربه اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی بابل اکران می‌شود.

یادبود «مجتبی عبدالله‌نژاد»

آیین یادبود «مجتبی عبدالله‌نژاد»، مترجم فقید، فردا ساعت ۱۶ در خانه اندیشمندان علوم انسانی واقع در خیابان استاد نجات‌اللهی، نبش ورشو برگزار می‌شود.

نقد کتاب اورهان پاموک

نشست بررسی رمان «نام من سرخ» نوشته اورهان پاموک، باحضور مژده الفت و مصطفی علیزاده، امروز ساعت ۱۴ در خانه اندیشمندان علوم‌انسانی واقع در خیابان استاد نجات‌اللهی، نبش خیابان ورشو برگزار می‌شود.

مغزپژوهی در شعر شاملو

نشست «مغزپژوهی در شعر شاملو» با سخنرانی عبدالرحمن نجل رحیم، امروز ساعت ۸:۳۰ صبح در سالن همایش بیمارستان ایرانمهر، واقع در خیابان شریعتی، نرسیده به دو راهی قلهک برگزار می‌شود.

دورهمی شب یلدا در نشر دف و شهر کتاب الف

دورهمی شب یلدا، باحضور فرزین طهرانیان؛ نوازنده گیتار کلاسیک، امروز ساعت ۱۷:۳۰ در خانه کتاب نشر دف واقع در زیر پل سیدخندان، حد فاصل شریعتی تا سهروردی، شماره ۶۴ برگزار می‌شود. همچنین ساعت ۱۶ در شهر کتاب الف واقع در مقدس اردبیلی، انتهای خیابان الف شمالی، نبش کوچه سوم، برنامه‌های نقالی، حافظ‌خوانی، آشنایی با «انقلاب زمستانی» و بررسی ویژگی‌های «تقویم شمسی» اجرا می‌شود.

رونمایی آلبوم «دوگانه‌سوز»

گروه موسیقی «خورشید سیاه» به‌عنوان اولین و تنها گروه راک حامی محیط‌زیست، فردا از سومین آلبوم خود با نام «دوگانه‌سوز» در کافه لاکی کلاور به نشانی خیابان ولیعصر، بالاتر از بهشتی، روبه‌روی هتل سیمرغ، شماره ۲۲۰۸، ساختمان صنایع چوب ایران، طبقه منفی یک رونمایی می‌کند.

طنز سیاسی در ادبیات

نشست «طنز سیاسی- اجتماعی در ادبیات و تصویرگری» با نگاهی بر رمان «اسپیکتولاماسوس‌ها» باحضور شاهین کربلایی‌طاهر و یاشار صلاحی، امروز ساعت ۱۵ در انتشارات روان‌شناسی و هنر واقع در خیابان کارگر شمالی، پایین‌تر از پمپ بنزین، کوچه اکبری، شماره ۱۸، واحد ۳ برگزار می‌شود.

نمایشگاه آثار مرتبط با مولانا

خانه فرهنگ و هنر گویا واقع در خیابان کریمخان، روبروی ایرانشهر، شماره ۹۱، به بهانه روز عُرس (درگذشت مولانا)، نمایشگاهی از آثار پژوهشی، ادبی و هنری مرتبط با او، از امروز به مدت یک هفته از ساعت ۹ تا ۲۱، برپا کرده است.

گفت و گو

عکس : فوکوس فیچرز

گفت و گویی با دیوید لیچ درباره فیلم بلوند اتمی

این سال‌ها در رویایم زندگی می‌کردم

این فیلم یک جورهایی برایم چالشی بود چون نوآر جنگ سرد بود اما راه‌هایی برای دیدن آن با نگاهی دیگر و وسیع کردن دنیایش یا بسط یا ترکیب با اکشن وجود داشت

•بهار سرلک•
مترجم

دیوید لیچ، کارگردان آمریکایی نخستین‌بار از طریق همسرش فیلمنامه «بلوند اتمی» را خواند. کلی مک کورمیک که تهیه‌کننده این پروژه بود، همسرش را به چالش کارگردانی این فیلم دعوت کرد و همان‌طور که خود لیچ می‌گوید، همسرش به او می‌گفت: «جهانی تازه در ژانر جاسوسی بساز، شبیه به کاری که در فیلم «جان ویک» و با همکاری چاد استاهلسکی انجام دادی.»
مدتی گذشت و لیچ که سال‌ها در حرفه بدلکاری فعالیت کرده بود، مسیر کار خود را براساس رمان گرافیکی «سردترین شهر» و تا حدی از موسیقی دهه ۱۹۸۰ در درام جاسوسی و جنگ سرد «بلوند اتمی» پیدا کرد. بهترین قطعه‌های موسیقی این دهه در این فیلم جای گرفتند که از ترانه «Voices Carry» از گروه 'Til Tuesday' بارها استفاده شده است؛ همچنین ترانه «Father Figure» از جورج مایکل و دو ترانه از دیوید بووی به نام «Cat people» در ابتدای فیلم و «Under Pressure» که در انتهای فیلم جای گرفتند.
اما قرار بر این نبود این دو ترانه بووی تنها سهم این خواننده اسطوره‌ای در این فیلم باشد. دست‌اندرکاران «بلوند اتمی» قصد داشتند بووی در فیلم نیز حضور داشته باشد و لیچ در مصاحبه با هالیوود ریپورتر گفته بود: «فکر می‌کنم بووی از فیلمنامه خوشش آمده بود که درباره این شهر بود و در آن موسیقی و خیلی چیزهای دیگر هم گنجانده شده بود. اما قبل از اینکه فیلمبرداری شروع شود محترمانه از کار با ما امتناع کرد. بعد طی فیلمبرداری، خبر درگذشت او اعلام شد درنتیجه حضور او در فیلم برای ما پررنگ‌تر از ترانه‌هایی شد که در فیلم از آنها استفاده کردیم.»
فیلم اکشن «بلوند اتمی» با بازی شارلیز ترون و جیمز مک‌اووی را کرت جانستد اقتباس سینمایی آن را براساس رمان گرافیکی «سردترین شهر» اثر آنتونی جانستون نوشته است. داستان درباره مامور مخفی MI۶ است که طی جنگ سرد به برلین فرستاده می‌شود تا پرده از راز قتل همکارش بردارد و ردپای ماموران دوجانبه دیگری را پی بگیرد.
متن پیش‌رو گفت‌وگویی است که سیلاس لسنیک، خبرنگار Comingsoon با این کارگردان انجام داده است.

می‌دانم که «بلوند اتمی» ابتدا در قالب رمانی گرافیکی به‌نام «سردترین شهر» منتشر شد؛ چطور این کتاب سر راه شما قرار گرفت؟

داستان جالبی دارد. قبل از اینکه من وارد این پروژه شوم، همسرم تهیه‌کننده آن بود. اسمش کلی مک کورمیک است. او من و چاد را به‌هم معرفی کرد. او همیشه حواسش به پروژه‌ها هست. توجه من را به این پروژه جلب کرد. یک جورهایی برایم چالشی بود چون نوآر جنگ سرد بود اما راه‌هایی برای دیدن آن با نگاهی دیگر و وسیع کردن دنیایش یا بسط یا ترکیب آن با اکشن وجود داشت. فقط می‌باید راهی پیدا می‌کردم تا آن را به شکلی دیگر ببینم. بعد از این کار شیفته فیلمنامه شدم و راه بسط آن را هم پیدا کردم.

این روند از چه زمانی شروع شد؟

خیلی زود شروع شد، چون لازم بود برای شارلیز ترون که یکی از تهیه‌کننده‌های فیلم بود، یک برنامه معرفی بگذارم. کمپانی او چندین کارگردان را ملاقات کرده بود، بنابراین می‌خواستم مطمئن شوم آنچه می‌خواهم این پروژه از آب دربیاید، واضح است. همچنین، وقتی وارد پروژه‌ای می‌شوید به دو سال از عمرتان بدل می‌شود. در نتیجه باید واقعا از ته دل در پروژه کار کنی. فورا مهارتم را در موسیقی پانک‌راک بیشتر کردم که در نهایت به «بلوند اتمی» تبدیل شد.

فرهنگ

در نشست نقد و بررسی کتاب «درباب حرف مفت» بررسی شد

چرا حرف مفت می‌زنیم؟!

هری فرانکفورت، استاد فلسفه، در کتاب «در باب حرف مفت» که با ترجمه محسن کرمی در نشر کرگدن منتشر شده، از خلال مفاهیمی چون شیادی، نادرست‌نمایی، دروغگویی و لاف‌زنی به ما درکی از مفهوم حرف مفت می‌دهد. کتاب مربوط به سخنرانی فرانکفورت در سال ۱۹۸۵ بوده و بیست سال بعد منتشرشده و جزء آثار پرفروش در خارج از کشور هم بوده است. گفته می‌شود که کنایه فرانکفورت به افرادی چون دریدا بوده که در آن جلسه حضور داشته‌اند. در نشست نقد و بررسی کتاب هم که با حضور مترجم، علی‌اصغر محمدخانی، ساجد طیبی و حسین بیات برگزار شد، حاضران درباره این حرف زدند که چرا حرف مفت اینقدر زیاد است و اساسا کسانی که حرف مفت می‌زنند چه دغدغه‌ای دارند.
ساجد طیبی در این نشست در پاسخ به اصلی‌ترین سوال کتاب یعنی دلایل زیاد شدن حرف مفت گفت: یکی از دلایل اصلی این است که آدم‌هایی که رویکرد شکاکیت‌گرایانه دارند امروز در جامعه بسیارند و فرهنگ ما به‌گونه‌ای شده که همه باید درباره همه چیز اظهارنظر کنیم و اگر درباره چیزی توئیت، هشتک و... نگذاریم، گویی از چیزی عقب مانده‌ایم. فرانکفورت معتقد است جامعه افراد را مجبور به اظهارنظر می‌کند و به همین دلیل است که انسان‌ها چون درباره همه چیز صاحب باور و عقاید نیستند مجبور به حرف مفت زدن می‌شوند.
او افزود: اما نویسنده کتاب درباره اینکه چرا حرف مفت اینقدر می‌فروشد پاسخی ارائه نمی‌دهد و این سوالی است که مخاطب می‌تواند با مطالعه این کتاب به آن پاسخ دهد. وقتی این کتاب را می‌خوانیم مدام با هشدار نویسنده روبه‌رو می‌شویم که حرف مفت را خطرناک‌تر از دروغ می‌داند، چون دروغ تعهدی به صدق دارد، اما حرف مفت تعهدی به صدق و کذب ندارد. فرانکفورت همچنین بیان می‌کند که ما تسامح بیشتری به حرف مفت داریم و اگر دروغ بشنویم احساس توهین می‌کنیم، اما نسبت به حرف مفت چنین احساسی نداریم. در حالی که خسارت حرف مفت از دروغ بسیار بیشتر است.
حسین بیات نیز در بخش دیگری از این نشست با اشاره به روش کار فرانکفورت در این اثر افزود: تا انتهای کتاب نویسنده تلاش کرده تا مفهوم حرف مفت را تحلیل کرده و به تعریف جامعی در این باره برسد. به اعتقاد او کسی که حرف مفت می‌زند دغدغه حقیقت را ندارد و این مهم‌ترین وجه تمایز کسی است که حرف مفت می‌زند با کسی که دروغ می‌گوید.
به گزارش ایبنا، به گفته او، این کتاب می‌تواند بخشی از جهل ما را که مربوط به ساحت زبان است کم کند، چرا که با مطالعه آن متوجه خواهیم شد که با دوگانه دروغ و راست مواجه نیستیم، بلکه با سه‌گانه دروغ، راست و یاوه مواجهیم. این وقوف جهل ما را کم می‌کند و در ساحت زبان داناتر می‌شویم و همچنین به لحاظ مهارتی در تشخیص یاوه و یاوه‌گویی قوی‌تر می‌شویم. از سویی دیگر این کتاب می‌تواند به مخاطب کمک کند تا با الگوبرداری از روش نویسنده در تبیین مفهوم حرف مفت و تفاوت آن با حرف راست و دروغ نسبت به مفاهیم دیگر گام بردارد.
در این نشست همچنین کرمی، مترجم این اثر در این نشست با اشاره به توضیحات فرانکفورت نویسنده کتاب درباره حرف مفت گفت: به اعتقاد فرانکفورت حرف راست بازنمایی واقعیت و حرف دروغ جازدن امری غیرواقع به جای حقیقت است، اما جنس حرف مفت چیز دیگری است چرا که حرف مفت به حقیقت کاری ندارد، اما حرف راست و حرف دروغ دغدغه حقیقت را دارد با این تفاوت که یکی حقیقت را بازنمایی و دیگری حقیقت را می‌پوشاند.
او ادامه داد: به اعتقاد نویسنده حرف مفت از این منظر واقعا خطرناک است زیرا کسانی که حرف مفت می‌زنند به تدریج به حقیقت بی‌توجه می‌شوند و از سوی دیگر باعث می‌شوند که مخاطبان هم خطر حرف مفت را احساس نکنند و دیگر نتوانند تفاوت بین حرف مفت را از حرف راست و دروغ تشخیص دهند.
این مترجم حوزه فلسفه با بیان اینکه متاسفانه ما ایرانیان در مقام حرف مفت‌زنی و حرف مفت شنیدن قهار هستیم، عنوان کرد: در فضای مجازی کانال‌های تلگرامی متعلق به انتشارات و کتابخوانی مخاطبان بسیار کمی دارد و این در حالی است که کانال‌های سرگرمی و جوک مخاطبان چندهزاری و میلیونی دارد و این نشان می‌دهد که جایگاه ما در شنیدن حرف مفت به چه صورت است.

تئاتر

خبر توقیف نمایش محمد رحمانیان تکذیب شد

«پیکان جوانان» در جاده ناهموار شایعه

•شکوه مقیمی•
روزنامه نگار

این روزها از همه سو خبر توقیف نمایش‌ها شنیده می‌شود، برخی در دنیای واقعی توقیف می‌شوند و برخی دیگر ناقوس پرصدای شایعه را به صدا درمی‌آورند و تنها در فضای مجازی و در ذهن آنها که آینده روشن و آرامشی را برای دنیای تئاتر برنمی‌تابند توقیف می‌مانند؛ روز گذشته، زمانی که نمایش محمد رحمانیان روزهای پایانی اجرای خود را سپری می‌کند سایت‌های بی‌هویت و غیرمعتبر خبر توقیف‌اش را منتشر کردند که روابط عمومی پردیس تئاتر شهرزاد این خبر را تکذیب کرد.
«ترانه‌های قدیمی: پیکان جوانان» پروژه جدید رحمانیان، در ادامه کارهایی است که او از هنگام بازگشتش به ایران آغاز کرده و با اپیزودهای مختلفی شکل گرفته است. نمایش رحمانیان بازخوانی ترانه‌هایی است با یادآوری مکان‌ها و اتفاق‌هایی که نسل جوان از آنها شنیده‌اند و نسل پیش از انقلاب به چشم دیده‌اند، اما هجمه‌ای که در طول اجرا به نمایش رحمانیان وارد شد، گویی کمر به قتل تاریخ و گذشته بسته‌اند؛ هر آنچه با عقایدشان همخوانی نداشته را نقض کرده و اعتراض و اندیشه غلامحسین ساعدی را، که در یکی از اپیزودها راهی شب‌های گوته است، رد می‌کنند؛ ساعدی که یکی از مؤثرترین شخصیت‌های ادبی در حوزه فرهنگ و هنر و اندیشه و انقلاب است. عجیب آنجاست که انتقاد (بخوانید حمله) به ترانه‌های نمایش، که همه پیش از انقلاب ساخته و منتشر شده‌اند، تنها به ترانه‌ای است که خواننده‌اش زن بوده و منتقد گرامی حتی پروین را، خواننده اصلی ترانه «تو رفتی و دلم غمین شد» ساخته زنده‌یاد همایون خرم، نمی‌شناخته و آن قطعه را به زنده‌یاد اشرف‌السادات مرتضایی (مرضیه) نسبت داده است و از بازخوانی ترانه توسط خوانندگانی چون ایرج بسطامی خبر نداشته است. ایرادهایی که به نمایش رحمانیان (که در این نوشته به نقاط ضعف و قدرتش اشاره‌ای نمی‌کنیم) وارد کرده‌اند تنها نشانه آن است که عده‌ای قصد دارند جامعه در ناآگاهی بماند و تماشاگری که برای تماشای تئاتر می‌آید تنها با شنیدن ترانه‌هایی چون «فرنگیس» کوروس سرهنگ زاده (با بازخوانی رضا یزدانی) و ترانه‌های پاپیولار دیگر، برای چنددقیقه‌ای سرگرم شود و لحظه‌ای با خود نیندیشد که چه شد که این شد.
محمد رحمانیان نیز در واکنش به خبر توقیف نمایشش، در گفت‌وگویی با خبرگزاری مهر این خبر را تکذیب کرده و گفته است: «این نمایش بارها بازبینی و تایید شده است، بنابراین اگر مشکلی وجود داشت از همان ابتدا به ما متذکر می‌شدند. این اثر نمایشی قرار است در سه روز آخر اجرا در سه نوبت به صحنه برود. به دلیل اینکه بازیگران نمایش مشغول فعالیت در پروژه‌های دیگری نیز هستند ما نمی‌توانیم بیشتر از اول دی نمایش را به صحنه ببریم، اما به دلیل استقبال مخاطبان، در سه روز پایانی این اثر نمایشی در سانس‌های ۱۶، ۱۸:۳۰ و ۲۱ به صحنه می‌رود و البته ممکن است نمایش جمعه شب در روز پایانی اجرا در ۴ نوبت اجرا شود». نمایش محمد رحمانیان به خاطر شدت این هجمه‌ها، چند روز پیش مجددا مورد بازبینی شورای نظارت و ارزشیابی قرار گرفت و اجرای خود را دوباره آغاز کرد. اما آیا تعدد بازبینی یک اثر، چهره راسخ و مستحکمی را از مرکز هنرهای نمایشی به تصویر می‌کشد؟ امید (بخوانید توقع) داریم که مدیران مرکز، در مقابل تندبادهایی که رسانه‌های بدخواه فرهنگ و هنر به‌راه می‌اندازند، نلرزد و بر اعتقاد و تصمیم‌هایی که برای تئاتر ایران گرفته است، پایداری کند تا اعتماد از دست‌نرفته اهالی هنر را خدشه‌دار نکند یا اعتماد از کف‌رفته را باز گرداند.

آن سوی مرز

مدال طلای شعر بریتانیا برای «پل مولدون»

«پُل مولدون»، شاعر برجسته اهل ایرلند شمالی به‌عنوان دریافت‌کننده مدال طلای شعر سال ۲۰۱۷ از ملکه بریتانیا معرفی شد. به گزارش گاردین، این شاعر ایرلندی تاکنون آثار زیادی از جمله ۱۲ مجموعه شعر، کتاب کودکان و ترانه خلق کرده و پیش از این جوایز معتبری چون پولیتزر شعر و جایزه «تی‌اس الیوت» را نیز دریافت کرده است.
«کارول آن دافی»، دارنده عنوان ملک‌الشعرای بریتانیا درباره این شاعر ایرلندی مقیم آمریکا، گفت: «پل مولدون» اصیل‌ترین و تأثیرگذارترین شاعر ۵۰ سال گذشته شناخته می‌شود. وی در اشعار بی‌قرار و سرزنده‌اش همواره در پی یافتن راه‌های جدید برای ایجاد ارتباط میان ایده‌هایش و زبان است.
«پُل مولدون» سال ۱۹۵۱ در ایرلند شمالی متولد شد و اولین مجموعه شعر خود را در سال ۱۹۷۳ منتشر کرد. وی در سال ۱۹۸۱ به انجمن سلطنتی ادبیات پیوست و در ۳۰ سال گذشته بیشتر عمر خود را در آمریکا زندگی کرده و به تدریس در دانشگاه پرینستون و سردبیری بخش شعر مجله نیویورکر گذرانده است. او بین سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۴ به‌عنوان پروفسور ادبیات و شعر در دانشگاه آکسفورد نیز تدریس می‌کرده است. «مولدون» در گروه شاعران ایرلندی شامل «شیموس هینی»، برنده نوبل ادبیات و «مایکل لانگلی»، جوان‌ترین فرد است که در دهه ۱۹۷۰ به شهرت رسید. «مولدون» در سال ۲۰۱۳ و در مراسم تدفین «شیموس هینی» در دوبلین سخنرانی کرد. وی در سال ۱۹۹۴ برای مجموعه شعر «سالنامه شیلی» برنده جایزه «تی‌اس الیوت» شد و سال ۱۹۹۶ نیز برای مجموعه منتخب شعرهایش جایزه ادبی ایرلند در بخش شعر را به‌خود اختصاص داد و در سال ۲۰۰۳ نیز برنده جایزه معتبر ادبی پولیتزر در بخش شعر نام گرفت.